

مطالعه راهبردهای امنیتی عربستان سعودی در خلیج فارس

حمید جهان‌آرا^۱

چکیده

خلیج فارس به دلیل داشتن موقعیت ژئوپلیتیک و در اختیار داشتن حجم بالای ذخایر انرژی، از دیرباز مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. این ویژگی‌ها موجب شده است تا موضوع امنیت، از اولویت‌های کشورهای این منطقه حساس باشد اما دیدگاه‌های متفاوت درباره امنیت، مانع از شکل‌گیری اعتماد و همکاری میان بازیگران منطقه شده است. راهبردهای امنیتی عربستان سعودی بعنوان یکی از بازیگران اصلی در معادلات امنیتی خلیج فارس عبارتند از: همکاری و ائتلاف با غرب (آمریکا)، همکاری‌های منطقه‌ای در قالب شورای همکاری خلیج فارس و ائتلاف با بازیگران عربی و غیرعربی و افزایش قدرت نظامی. چرایی اتخاذ این راهبردها از سوی عربستان سعودی پرسش اصلی این مقاله است. به نظر می‌رسد دلایل اتخاذ این راهبردها را باید در قدرت پایین‌تر عربستان سعودی نسبت به ایران و تلاش این کشور برای حفظ وضع موجود در منطقه جستجو کرد. روش این پژوهش براساس ماهیت تحقیق تبیینی و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: امنیت، عربستان سعودی، قدرت، سمت‌گیری سیاست خارجی، خلیج فارس

^۱ کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد jahanara_2015@yahoo.com

مقدمه

یکی از کشورهایی که حفظ امنیت خلیج فارس، همواره یک اصل ثابت در راهبرد آن می‌باشد، عربستان سعودی است. این کشور همواره نقش مهمی در معادلات و مناسبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به خصوص در خلیج فارس برعهده داشته و اکنون نیز دارای جایگاه ویژه‌ای در منطقه است. قرار گرفتن عربستان سعودی در میان دو آبراه مهم جهان، خلیج فارس و دریای سرخ، موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی به این کشور بخشیده است. درآمدهای حاصل از صدور نفت، علاوه بر قدرت اقتصادی، به عربستان سعودی این امکان را داده است تا به گسترش نفوذ سیاسی خود در کشورهای عرب منطقه بپردازد. عربستان سعودی به علت تشابه ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس و آسیب‌پذیر بودن این حکومت‌ها، سعی نموده با گردآوردن آنها در قالب شورای همکاری خلیج فارس و عقد قراردادهای امنیتی، این کشورها را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد (عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۰). با توجه به اهمیت نقش و جایگاه عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، در این مقاله محورهای راهبرد امنیتی این کشور در منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌گیرد. این محورها عبارتند از: همکاری و ائتلاف با غرب (آمریکا)، همکاری‌های منطقه‌ای در قالب شورای همکاری خلیج فارس، ائتلاف با بازیگران عربی و غیرعربی و افزایش قدرت نظامی. پرسش اصلی این پژوهش چرایی اتخاذ این راهبردهای امنیتی از سوی عربستان سعودی در منطقه خلیج فارس است. فرضیه ما این است: به نظر می‌رسد قدرت پایین‌تر عربستان سعودی نسبت به ایران و تلاش این کشور برای حفظ وضع موجود در منطقه باعث اتخاذ راهبردهای امنیتی یاد شده از سوی عربستان سعودی در خلیج فارس شده است.

۹۶

۱- مبانی نظری: واقع‌گرایی امنیتی

مکتب واقع‌گرایی از پرسابقه‌ترین دیدگاه‌هایی است که برای تبیین رفتار خارجی دولت‌ها اعم از بزرگ یا کوچک کاربرد دارد، به ویژه در شرایطی که دستیابی به قدرت و امنیت مطلوب در شرایط بحرانی منطقه‌ای یا جهانی مدنظر بازیگران باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۷۳). این نظریه که رئالیسم فطری بشر نیز خوانده می‌شود، بر مبنای ماهیت قدرت‌طلب و شرور انسان، استوار شده است. بر این مبنای، برخلاف آرمان‌گرایی که قائل به قابلیت اصلاح رفتار بشری می‌باشند، واقع‌گرایان برآنند که سرشت و طبیعت انسان ثابت است و به راحتی قابل تغییر نیست (مورگنتا، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

رهیافت رئالیستی از جمله نگرش‌هایی است که مسئله امنیت، محور و پایه اصلی آن است. رئالیست‌ها در حوزه امنیت به مسائلی مانند امنیت بین‌الملل، ناامنی، بقا، موضوعات امنیت مبتنی بر محور نظامی، خوداتکایی در تحصیل امنیت و دولت‌محوری در مرجع امنیت می‌پردازند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۶۱). از نظر واقع‌گرایان،

روابط بین‌الملل هرچند صحنه یک جنگ دائم نیست، اما رقابت امنیتی بیرحمانه و احتمال جنگ همواره در آن وجود دارد. البته کشورها گاهی با یکدیگر همکاری می‌نمایند ولی این همکاری، محدودیت خاص خود را دارد و با منطق حاکم بر رقابت امنیتی که هیچ سطح همکاری نمی‌تواند آن را از بین ببرد محدود می‌شود (غلام‌حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

اگر امنیت را بعنوان «تلاش واحدهای سیاسی برای افزایش توانمندی‌ها و امکانات‌شان جهت رسیدن به وضعیتی که خود را ایمن از لطمات ناشی از عملکرد سایر بازیگران در عرصه سیاست بین‌الملل بیابند» (ماز، ۱۳۷۹: ۱۹)، بدانیم چگونگی طراحی سیاست‌ها و رویکردهای یک کشور برای تامین این موارد را راهبرد-های امنیتی می‌نامند. بطور کلی در نظریه واقع‌گرایی امنیتی دو عامل باعث اتخاذ راهبردهای امنیتی متفاوت از سوی بازیگران می‌شود. نخست؛ قدرت و دوم؛ سمت‌گیری سیاست خارجی.

واقع‌گرایان امنیتی مسئله قدرت را یکی از دلایل اصلی توجه به نامنی به جای امنیت می‌دانند و بر این نظرند که قدرت در ذات خود همواره ضربه زدن به دیگران را می‌پروراند. لذا تجمیع قدرت در دولت‌ها باعث می‌شود تا آنها در مقام آسیب زدن به دیگران برای تحصیل منافع بیشتر همواره تلاش کنند (عبداله‌خانی، پیشین: ۶۸). در نتیجه، قدرت بر توانایی وارد ساختن صدمه فیزیکی به دیگران استوار است. ارزیابی قدرت از توانایی-

های نظامی آغاز و تنها در مرحله بعد به دیگر توانایی‌هایی که مستقیماً به حفظ و کاربرد توانایی‌های نظامی ۹۷ کمک می‌کنند و سپس به عواملی که به شکل غیرمستقیم‌تر چنین نقشی دارند پرداخته می‌شود. بنابراین قدرتمندترین بازیگران آنهایی هستند که از نظر نظامی توانمندتر از دیگران‌اند (تری‌تیف و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۴). زیرا هرچه برتری نظامی کشوری بر کشورهای دیگر بیشتر باشد، در امنیت بیشتری به سر می‌برد. همه کشورها دوست دارند مهیب‌ترین قدرت نظامی را داشته باشند. زیرا این بهترین راه تضمین بقا در جهانی است که می‌تواند بسیار خطرناک باشد. هدف عبارت است از کسب قدرت نظامی بیشتر به هزینه رقبای بالقوه. نتیجه ایده‌ال، به دست‌آوردن برتری در نظام بین‌الملل است و در این زمان می‌توان گفت که بقا تقریباً تضمین شده است (عبداله‌خانی، پیشین: ۶۵).

سمت‌گیری سیاست خارجی کشورها، از دیگر عوامل تعیین‌کننده سیاست‌های امنیتی آنان است. در اندیشه واقع‌گرایی، سیاست خارجی مانند سایر عرصه‌های سیاست، مبارزه‌ای است برای کسب و حفظ قدرت و اهداف غایی سیاست خارجی هرچه باشد همیشه قدرت، هدفی عاجل محسوب می‌شود. این مفهوم سیاست خارجی دو پیامد دارد. نخست آنکه تمامی رفتارها و اعمال یک دولت در قبال سایر دولت‌ها ماهیت سیاسی ندارند و بسیاری از این فعالیت‌ها بدون توجه به قدرت انجام می‌شوند و طبیعتاً بر قدرت دولتی که آنها را انجام

می‌دهند، تاثیری نمی‌گذارند. دوم آنکه همه کشورها به یک میزان در صحنه سیاست خارجی فعالیت نمی‌کنند (مورگنتا، پیشین: ۴۴-۴۶).

دولت‌ها با توجه به نوع و ماهیت نظام بین‌الملل برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خویش، از جهت‌گیری‌های مختلفی پیروی می‌کنند. هالستی از سمت‌گیری یا استراتژی در کنار نقش‌ها و هدف‌ها بعنوان برون‌داده‌های سیاست خارجی نام می‌برد. از نظر او استراتژی یا سمت‌گیری کلی یک دولت به ندرت در یک تصمیم نمایان می‌شود، بلکه از سلسله تصمیمات متوالی معلوم می‌شود که در تلاش برای انطباق هدف‌ها، ارزش‌ها و منافع با شرایط و ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی اتخاذ شده‌اند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۶۶). یکی از سمت‌گیری‌هایی که دولت‌ها در سیاست خارجی خود دنبال می‌کنند، سمت‌گیری مبنی بر حفظ وضع موجود می‌باشد. دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود تلاش می‌کنند از سه طریق؛ حفظ ساختار و توزیع قدرت موجود، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و بستن پیمان‌ها و اتحادها سیاست‌های امنیتی خود را دنبال کنند.

هدف سیاست حفظ وضع موجود، حفظ ساختار و توزیع قدرت موجود در یک لحظه خاص تاریخی است. سیاست حفظ وضع موجود در سیاست بین‌الملل به همان ترتیبی عمل می‌کند که سیاست محافظه‌کارانه در امور داخلی عمل می‌نماید. لحظه‌ای خاص در تاریخ که به صورت نقطه عطفی برای سیاست حفظ وضع موجود عمل می‌کند معمولاً پایان جنگ است، یعنی زمانی که توزیع قدرت در یک معاهده خاص تدوین می‌شود (مورگنتا، پیشین: ۸۲).

همکاری با سازمان‌های بین‌المللی از آنجا در دستور کار حامیان وضع موجود قرار دارد که سازمان‌های بین‌المللی همواره در صدد حفظ چارچوب و قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل و وضع معاهداتی بوده‌اند که پاسدار این چارچوب بنحو ساختاری باشند. معاهده صلح ورسای و تاسیس جامعه ملل و منشور سازمان ملل آشکارا این هدف را تعقیب کرده است. کشورهایی که در سیاست خارجی خود، خواهان حفظ توزیع قدرت در مورد خاصی هستند، ممکن است از معاهدات ویژه‌ای بعنوان ابزار عمل خود استفاده کنند؛ نظیر پیمان‌های اتحاد، که اغلب وظیفه حفظ وضع موجود در برخی از زمینه‌ها را به عهده دارند (همان، ۸۳-۸۴).

۲- راهبردهای امنیتی عربستان سعودی در خلیج فارس

خلیج فارس، مهمترین منطقه در راهبرد امنیتی عربستان سعودی است. محورهای راهبرد امنیتی عربستان سعودی در منطقه عبارتند از: - همکاری و ائتلاف با غرب (آمریکا)؛ - همکاری‌های منطقه‌ای در قالب شورای همکاری خلیج فارس و ائتلاف با بازیگران عربی و غیرعربی؛ - افزایش قدرت نظامی.

۲-۱- همکاری و ائتلاف با غرب (آمریکا)

سیاست‌های عربستان سعودی در خلیج فارس، برپایه حفظ روابط دوستانه با کشورهای غربی، شکل گرفته است. هدف این کشور در هماهنگی و همراهی با بلوک غرب، متعادل کردن پدیده‌های تندرو انقلابی و جلوگیری از سرایت آنها به داخل کشور است (آشتی، ۱۳۷۱: ۷۶-۸۰). با وجود تمایل عربستان سعودی به همکاری نظامی و دفاعی با بسیاری از قدرت‌های فرامنطقه‌ای، آمریکا اصلی‌ترین قدرتی است که این کشور خواستار مشارکت آن در ترتیبات امنیتی خلیج فارس بوده است. توافق‌های امنیتی دوجانبه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با آمریکا در دهه ۱۹۹۰، نشان‌دهنده میزان اهمیت نقش آمریکا در ترتیبات امنیتی خلیج فارس از منظر رهبران شورای همکاری خلیج فارس و از جمله عربستان سعودی است. هرچند ریاض متمایل به حفظ قدرت مانور خود در ایجاد روابط نظامی با سایر کشورها مانند انگلستان و فرانسه نیز است، اما نامحتمل است که این کشور در سطح کلی و اولویت اول خود، کشوری غیر از آمریکا را برای ایجاد چتر امنیتی انتخاب کند (Henderson, 2001). از اینرو، عربستان سعودی در راستای برقراری امنیت داخلی و خارجی خود، اهتمام خاصی به تقویت بنیه دفاعی و نظامی خود می‌ورزد، لذا در بخش‌های صنایع نظامی و خریدهای تسلیحاتی سرمایه فراوانی را هزینه کرده و در این راه نزدیکی به آمریکا را در سیاست‌های امنیتی و نظامی خود در اولویت قرار داده است (قاسمی‌نراقی، ۱۳۷۸: ۱۰۱). بر این اساس، عربستان سعودی با اقدام ۹۹ به خریدهای تسلیحاتی گسترده از آمریکا، زرادخانه‌های خود را مملو از سلاح‌های نظامی کرده است تا از این طریق، سیاست خارجی خود را که همان حفظ وضع موجود در منطقه می‌باشد، دنبال نماید (آقایی، ۱۳۸۹: ۱۲).

حضور نظامی آمریکا پس از بحران کویت و عراق نیز حاکی از احساس تعلق شدید طرفین به یکدیگر است. اگرچه عربستان و آمریکا به دلیل نگرانی از مخالفت‌های داخلی در عربستان، تاکنون پیمان‌های رسمی دفاعی منعقد نکرده‌اند، اما با انعقاد موافقت‌نامه‌های آموزشی و تدارکاتی نظامی، واحدهای عملیات ویژه ایالات متحده از مرکز هوایی در پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در جنوب ریاض، استفاده گسترده‌ای کرده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۳۴-۱۳۵). با وجود اختلافاتی که عربستان سعودی و آمریکا در طی سال‌های اخیر پیدا کردند، اما روابط این دو کشور همچنان روابطی استراتژیک و سنتی مبنی بر حفظ وضع موجود در منطقه بوده است. در سفر اوپاما به عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶، بیانیه پایانی اجلاس سران عضو شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا با حضور باراک اوپاما در ریاض منتشر شد (اسدی، ۱۳۹۵). در این نشست، سلمان بن عبدالعزیز شاه سعودی طی سخنانی گفت: کشورهای شورای همکاری خلیج فارس علاقمند هستند که روابط خود با آمریکا را در راستای خدمت به منافع مشترک و حفظ امنیت و صلح در منطقه و جهان توسعه بدهند.

۲-۲- همکاری‌های منطقه‌ای در قالب شورای همکاری خلیج فارس و ائتلاف با بازیگران عربی و

غیرعربی

باتوجه به تداوم الگوهای سنتی قدرت، بازدارندگی و موازنه در خلیج فارس و فقدان الگوهای جامع همگرایی منطقه‌ای، دولت‌های قدرتمند این منطقه به دنبال یارگیری‌های سیاسی برآمده‌اند. ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی همواره جایگاه تعیین‌کننده‌ای را در تامین امنیت عربستان داشته است. عربستان بعنوان یکی از دولت‌های امنیتی - سیاسی خاورمیانه و خلیج فارس، باتوجه به نگرانی‌های داخلی و منطقه‌ای در طول سه دهه اخیر به ویژه با وقوع تحولات عربی در سال ۲۰۱۱، همواره در تلاش بوده است تا با استفاده از شورای همکاری خلیج فارس و ائتلاف با بازیگران عربی و غیرعربی، موقعیت برتری را در نظام منطقه‌ای خاورمیانه و در برخورد با موضوعات سیاسی و امنیتی از آن خود سازد.

عربستان سعودی در تشکیل شورای همکاری خلیج فارس نقش محوری داشته و همواره خود را بعنوان برادر بزرگتر در این شورا مطرح کرده است. این کشور از نظر وسعت جغرافیایی، منابع و قدرت اقتصادی و جایگاه و توانمندی نظامی از موقعیت برتری در مقایسه با پنج کشور کوچک دیگر برخوردار است. تفاوت سطح قدرت این امکان را به عربستان سعودی می‌دهد تا در شورای همکاری، نقش رهبری را ایفا نماید. مستقر بودن دبیرخانه شورای همکاری خلیج فارس در ریاض نیز به بستری برای تاثیرگذاری و نفوذ بیشتر عربستان سعودی بر این شورا منجر شده است. در دوره‌های بحرانی و گسترش تهدیدهای مشترک بیرونی، نقش برتر و مسلط عربستان سعودی در شورای همکاری خلیج فارس بیشتر مشخص می‌شود و دیگر کشورها نیز این نقش را می‌پذیرند (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

تحت تاثیر همین نگرش متقابل، عربستان سعودی در تلاش است که شورای همکاری خلیج فارس را به صورت بلوک واحدی در برابر تهدیدهای امنیتی و دیگر مدعیان قدرت منطقه متحد سازد. به‌رغم بروز اختلاف بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، عربستان سعودی همچنان محوریت خود را در جهت‌دهی به سیاست‌های این نهاد و تعیین راهبردهای کلان آن حفظ کرده است (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۵۵). یکی از ابزارهای عربستان سعودی برای استفاده از شورای همکاری خلیج فارس در منطقه، برگزاری نشست‌های مشترک در زمینه‌های دفاعی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. بخش مهم این همکاری‌ها، نظامی و امنیتی بوده و با هدف حفظ وضع موجود و دفع خطرات امنیتی می‌گیرد (Cordesman, 2012). بعنوان مثال، هفتمین نشست مشورتی کمیته عالی نظامی شورای همکاری خلیج فارس در ژانویه سال ۲۰۱۶، با حضور روسای ستاد مشترک کشورهای عضو این شورا در ریاض پایتخت عربستان برگزار شد. عبدالرحمن بن صالح‌البنیان، رئیس مشترک نیروهای مسلح عربستان سعودی، هدف از این نشست را تقویت امور نظامی و همکاری‌های بیشتر میان نیروهای مسلح کشورهای شورای همکاری خلیج فارس عنوان کرد.

درباره ائتلاف با بازیگران عربی، می‌توان به بیانیه دمشق یا طرح امنیتی ۶+۲ در سال ۱۹۹۱ و طرح عضویت مغرب و اردن در شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ اشاره کرد. بیانیه دمشق ناظر به ایجاد یک نیروی نظامی فعال به منظور دفاع از کشورهای عضو شورای همکاری هنگام روبرو شدن با تجاوزهای خارجی بود. براساس طرح امنیتی اجلاس دمشق، استقرار نیروهای مصری و سوری در خاک عربستان در واقع بعنوان تضمینی برای امنیت کشورهای خلیج فارس و البته با پرداخت هزینه‌های مربوط از سوی شورا پیش‌بینی شده بود. این پیمان همچنین به طرح‌ریزی برنامه کمک‌های اقتصادی و مالی از سوی کشورهای عضو شورا به دو کشور مصر و سوریه تاکید می‌کند (اسدی، ۱۳۷۳: ۱۲۶).

اگرچه این بیانیه در عمل موفقیتی نداشت ولی در آغاز از چنان اهمیتی برای عربستان سعودی و دیگر اعضای شورا برخوردار شده بود که شورا اعلام کرد: هرگونه ارتباطی در چارچوب روابط میان کشورهای عربی براساس اصولی خواهد بود که بیانیه دمشق بر آن تصریح کرده باشد (قاسمی نراقی، پیشین: ۲۶-۲۷). هدف عربستان از طرح امنیتی ۶+۲ جبران ضعف‌های ناشی از کمبود نیروی انسانی، تمرینات نظامی و بطور کلی نبود یک سیستم امنیتی عربی بود. زیرا حضور مستقیم آمریکا به علت برانگیختن احساسات ضدغربی و مبارزه با نفوذ بیگانگان در کشورهای عربی برای این کشور مسأله‌ساز شده بود. سرانجام طرح امنیتی ۶+۲ با شکست مواجه شد، زیرا عربستان چیرگی نظامی بر این منطقه را از سوی رقبای خود یعنی مصر و سوریه نمی‌پذیرفت ۱۰۱ (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۴۹).

پس از آغاز خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی شمال آفریقا و خاورمیانه، عربستان سعودی کوشید تا حد امکان مانع از برهم خوردن نظم موجود شود و سیر تحولات را در جهت منافع خود هدایت کند (کرمی، ب)، (۱۳۹۲). بدین ترتیب، با تشکیل جلسه‌ای در ریاض در ۱۰ می ۲۰۱۱، خواستار عضویت دو کشور پادشاهی مراکش و اردن در جمع شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس شد. دو هدف مهم از طرح این پیشنهاد متصور است؛ اول اینکه عربستان سعودی با سقوط متحدین اصلی، خود را در وضعیت و موقعیت ضعیف‌تری نسبت به گذشته می‌دید و این موجب می‌شد تا از اهمیت استراتژیک و نفوذ و تاثیرگذاری این کشور در منطقه و به خصوص در قیاس با سایر رقبای منطقه‌ای کاسته شود. دومین عاملی که موجب افزایش نگرانی عربستان می‌شد، شکل‌گیری جنبش‌های رادیکال در منطقه بود. این موضوع نگرانی‌های امنیتی عربستان سعودی را افزایش داده و این کشور را به سوی اتخاذ راه‌حلهایی جهت مقابله با گسترش و تسری انقلاب در کشورهای خلیج فارس سوق داده است (کرمی، الف)، (۱۳۹۱: ۱۳۳). لذا طرح این مسئله نشانگر تلاش عربستان سعودی برای حفظ نظام‌های پادشاهی عربی در مقابل خیزش‌های مردمی و همچنین رفع تهدیدات امنیتی در منطقه بود (صادقی اول و نقدی عشرت‌آباد، ۱۳۹۳: ۵۷).

عربستان سعودی در راستای ائتلاف‌سازی، همکاری با کشورهای غیرعربی مانند پاکستان و ترکیه را نیز در دستور کار داشته است. روابط عربستان سعودی و پاکستان همیشه خوب بوده است. سابقه همکاری این دو کشور، به جنگ افغانستان و همکاری در تقویت مجاهدان افغان در مبارزه با شوروی در دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد. البته این روابط در هنگامی که پاکستان تحت حاکمیت نظامیان (ژنرال ضیاءالحق و ژنرال مشرف) یا حزب مسلم بیگ قرار داشت نزدیک‌تر بوده است. (اطاعت، ۱۳۹۴: ۱۷). این دو کشور تاکنون رزمایش‌های مشترکی با هم برگزار کرده‌اند. یکی از این رزمایش‌ها، رزمایش «صمصام» است که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود. نخستین مانور نظامی با نام صمصام یک، در سال ۲۰۰۴ به مدت شش روز در خاک پاکستان برگزار شد. صمصام دو در ایالت پنجاب در سال ۲۰۰۶، صمصام سه در سال ۲۰۰۹ در خاک عربستان برگزار شد و صمصام چهار نیز به مدت سه هفته در سپتامبر ۲۰۱۱ در نزدیکی شهر جهلم در نزدیکی شهر پنجاب با هدف آشنایی نیروهای پاکستانی و عربستانی با دانش نظامی دو کشور به مرحله اجرا در آمد. عربستان از ظرفیت‌ها و امکانات پاکستان برای حفظ امنیت داخلی و خارجی خود در منطقه استفاده می‌کند. چنانچه نوازشریف در ژوئن ۲۰۱۳، روابط دوجانبه با عربستان سعودی را گسترش داد و سفرهای رسمی و غیررسمی زیادی به این کشور داشت. یکی از سفرهای او به اواخر آوریل سال ۲۰۱۴ برمی‌گردد که در این سفر، نوازشریف در یک رزمایش نظامی به نام «شمشیر عبدالله» شرکت کرد. حضور ژنرال راحیل شریف در این مانور حاکی از نزدیکی نظامی و امنیتی دو کشور بود. در جریان سفر محمدبن سلمان وزیر دفاع و جانشین ولیعهد عربستان در سال ۲۰۱۵ به پاکستان، که در بحبوحه تنش با ایران بر سر اعدام شیخ نمر صورت گرفت، ژنرال راحیل، فرمانده ارتش پاکستان اعلام کرد: هرگونه تعرض به تمامیت ارضی عربستان سعودی، واکنش پاکستان را به دنبال خواهد داشت. با وقوع خیزش‌های عربی خاورمیانه، عربستان تلاش کرد با همکاری با ترکیه در جهت موازنه-سازی منطقه‌ای و متعادل کردن پدیده‌های متأثر از تحولات بهار عربی، سیاست‌های امنیتی خود را دنبال کند. این سیاست به همکاری‌های امنیتی بین عربستان سعودی و ترکیه بعنوان دو کشور مهم و باثبات در منطقه منجر شد (Muhittin, 2012: 4). گسترش همکاری‌های نظامی-دفاعی موجب شد دو کشور در مسائل سیاسی و امنیتی به افزایش همکاری‌ها در جهت حفظ وضع موجود در منطقه علاقه نشان دهند که تحولات منطقه‌ای و در راس آن، بحران سوریه نمود اصلی این همکاری‌ها است و نشان می‌دهد که طرفین در این کشور مواضعی نزدیک به یکدیگر اتخاذ نموده‌اند (کرمی(ب)، پیشین: ۱۳۹۲).

علاوه بر بحران سوریه، دو کشور در قبال دولت عراق سیاست‌های امنیتی مشترکی دارند. ریاض و آنکار مخالف روی کار آمدن شیعیان در عراق هستند و آن را یک تهدید ژئوپلیتیک می‌دانند. به ویژه اینکه عربستان سعودی می‌داند قدرتمند شدن شیعیان در منطقه علاوه بر آنکه موجب کاهش نفوذپذیری منطقه از سیاست‌های محافظه‌کارانه می‌شود، زمینه تقویت شیعیان عربستان را نیز فراهم می‌آورد. لذا دو کشور علیرغم

اختلافاتی که در مورد سطح انتخاب گروه‌های سلفی و اخوانی و گروه‌های میانه‌رو و تندرو دارند، از طریق ائتلاف با یکدیگر به منظور حفظ سیاست‌های محافظه‌کارانه خویش در منطقه، از جریان اهل سنت در عراق حمایت می‌کنند (محب‌علی، ۱۳۹۴).

۲-۳- افزایش قدرت نظامی

عربستان سعودی توجه فراوانی به افزایش توان نظامی خود دارد. خریدهای تسلیحاتی عمده و توسعه زیرساخت‌های نظامی از جمله فعالیت‌های عربستان سعودی در این زمینه است (صادقی و احمدیان، پیشین: ۱۳۷). این کشور در دهه گذشته نسبت به خرید انواع جهیزات نظامی، از کشورهای کانادا، فنلاند، فرانسه، آلمان، سوئیس، ایتالیا، چین، سوئد، ترکیه و انگلستان اقدام نموده است (مشتاقی، ۱۳۹۳: ۲۰۵). عربستان سعودی از بزرگترین خریداران تسلیحات نظامی از آمریکا می‌باشد. با توجه به گزارش منتشر شده توسط سرویس تحقیقاتی کنگره آمریکا در ژانویه سال ۲۰۱۵، بین اکتبر ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، به ارزش بیش از ۹۰ میلیارد دلار طرح فروش عمده تسلیحات نظامی، بین واشنگتن و ریاض مطرح شد. این پیشنهادات شامل فروش هلیکوپترهای آپاچی و خمپاره‌انداز، موشک‌های ضدتانک و ضد بمب و همچنین آموزش‌های نظامی بوده است. مقام‌های آمریکایی نیز اظهار داشته‌اند که عقد قراردادهای تسلیحاتی به ارزش ۲۹/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ با ریاض، با هدف تقویت و افزایش توان نظامی عربستان سعودی صورت گرفت. این تسلیحات شامل فروش ۷۰ فروند بالگرد «سیکورسکی UH-60» و ۶۰ فروند بالگرد «آپاچی لانگبوی آمریکایی» و نیز فروش ۸۴ فروند هواپیمای جنگنده F15 آمریکایی بوده است (Lamothe, 2015).

بنابه گزارش موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، هزینه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۱۵، تقریباً به ۱/۷ تریلیون دلار رسیده که در این میان، بودجه نظامی عربستان سعودی با رشد ۵/۷ درصدی به ۸۷ میلیارد دلار رسید. این کشور از نظر هزینه‌های نظامی در رتبه سوم جهان بعد از آمریکا و چین قرار دارد. عربستان سعودی دارای بزرگترین نیروی نظامی در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است. این نیروها در دهه گذشته با استفاده از درآمدهای سرشار نفتی تجهیز، بروزرسانی و مدرنیزه شده‌اند (مشتاقی، پیشین: ۲۴). تعداد کل پرسنل نیروهای نظامی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴ برابر با ۲۳۳,۵۰۰ نفر بوده که از این تعداد ۷۵,۰۰۰ نفر مربوط به نیروی زمینی، ۲۰,۰۰۰ نفر مربوط به نیروی هوایی، ۱۳,۵۰۰ نفر مربوط به نیروی دریایی می‌باشند. نیروی هوایی عربستان سعودی از پیشرفته‌ترین نیروها در خاورمیانه محسوب می‌گردد و حتی دارای پتانسیل مطرح شدن بعنوان یک نیروی تاثیرگذار در تصمیم‌گیری‌های نظامی عربستان و شورای همکاری خلیج فارس می‌باشد.

نیروی هوایی عربستان سعودی از سال ۱۹۹۴ الی ۲۰۰۱ بنابه دلایلی از جمله فرسودگی ناوگان هواپیماهای جنگنده، عدم مدیریت صحیح، نقص در آموزش، تمرکز بر پدافند هوایی و ... دچار ضعف و رکود قابل توجهی شد ولی از سال ۲۰۰۱ میلادی، مقامات عربستانی توجه ویژه‌ای به آن نموده و افزایش آمادگی و قابلیت رزمی این نیرو در دستور کار قرار گرفته و قراردادهای قابل توجهی جهت مدرنیزاسیون و آموزش کارکنان نیروی هوایی عربستان با کشورهای غربی منعقد گردید. نیروی هوایی عربستان در سال ۲۰۱۵ دارای ۲۰,۰۰۰ نفر پرسنل بوده و فرماندهی آن را «سرلشکر محمد بن احمد الشعلان» برعهده دارد (مشتاقی، ۱۳۹۳: ۳۴). این کشور دارای هفت پایگاه هوایی مهم می‌باشد از جمله: پایگاه هوایی ملک خالد (خمیس مشیط)، پایگاه هوایی ملک فهد (طائف)، پایگاه هوایی ملک عبدالعزیز (ظهران)، شهرک نظامی ملک خالد (الخرج)، پایگاه هوایی شاهزاده سلطان (الخرج)، پایگاه هوایی ملک فیصل (تبوک)، پایگاه هوایی شاهزاده عبدالله (جده) (Ibid). آخرین تجهیزات نیروی هوایی عربستان سعودی در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱) تجهیزات نیروی هوایی عربستان سعودی

توضیحات	تعداد	نوع تجهیزات
.....	۷۲۲	کل هواپیماهای نظامی
.....	۲۴۵	جنگنده‌های نظامی
.....	۲۴۵	هواپیمای نظامی بال ثابت
.....	۲۲۱	هواپیمای نظامی باری
.....	۲۱۳	هواپیماهای آموزشی
.....	۲۰۴	هلیکوپتر
.....	۲۲	هلیکوپتر تهاجمی

۱۰۴

منبع: (Global firepower, 2016).

نیروی دریایی عربستان سعودی در سال ۱۹۵۰ میلادی تاسیس شد و شروع به گسترش خود با کمک ایالات متحده آمریکا کرد. در سال ۱۹۷۹، برنامه گسترش این نیرو با کمک فرانسه دنبال شد. نام این برنامه ساواری بود. شناورهای بیشتری در سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ از انگلیس و فرانسه خریداری شد. در سال ۱۹۹۰، آمریکا با امضای پیمانی شروع به یکپارچه‌سازی و هماهنگ کردن تجهیزات و نیروهای دریایی عربستان سعودی با نیروهای آمریکایی کرد (نوشاد، ۱۳۹۰). نیروی دریایی عربستان دارای ۱۳,۵۰۰ الی ۱۵,۰۰۰ نفر می‌باشد که از این تعداد حدود ۳۰۰۰ نفر آنها از جمله نیروهای تفنگدار دریایی می‌باشند. ستاد نیروی دریایی عربستان در شهر ریاض واقع گردیده و در سال ۲۰۱۴ «دریابان عبدالله بن سلطان بن محمدالسلطان» فرمانده نیروی دریایی عربستان می‌باشد. باتوجه به دسترسی عربستان سعودی به دریای سرخ و خلیج فارس، نیروی

دریایی این کشور دارای ناوگان شرقی با مرکزیت الجبیل در خلیج فارس و ناوگان غربی با مرکزیت جدّه در دریای سرخ می‌باشد. عربستان سعودی در راستای گسترش توانمندی و مدرنیزه نمودن نیروی دریایی بویژه در خلیج فارس، طی یک دهه گذشته با عقد قراردادهای نظامی با کشورهای غربی به ویژه آمریکا و فرانسه نسبت به خرید انواع تجهیزات دریایی اقدام نموده است که از جمله آن می‌توان به تجهیز نیروی دریایی این کشور به انواع شناورهای رزمی از جمله ناوچه کلاس ریاض «F-3000S»، ناوچه کلاس مدینه «F-200»، ناوچه موشکی کلاس بدر «PCG-1 clas»، ناوچه الصدیق «PGG-1 class»، ناوچه مین‌روب ریاض «Class Minesweeper» و ناوچه مین‌روب الجوف «Sandownclass» و همچنین انواع شناورهای گشتی مانند شناور گشتی «al-Jubatel»، شناور گشتی الجوف، شناور گشتی «Halter»، شناور گشتی «Stan Patrol 2606»، شناور جنگی «Sea Guard»، شناور گشتی «Simonneu 51» و شناور گشت ساحلی اشاره نمود (مشتاقی، پیشین: ۴۷-۴۹).

عربستان در سال ۲۰۱۵ تعداد چهار فروند ناو جنگی «لیتورال» به ارزش ۱۱ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار ساخت شرکت لاکهید مارتین آمریکا خریداری کرد. آخرین وضعیت تجهیزات نیروی دریایی عربستان سعودی در جدول ۲ آمده است.

۱۰۵

جدول ۲) تجهیزات نیروی دریایی عربستان سعودی

توضیحات	تعداد	نوع تجهیزات
.....	۰	ناو هواپیمابر
.....	۷	ناوچه
.....	۰	ناوشکن
.....	۴	رزم‌ناو
.....	۰	زیردریایی
.....	۳۹	کشتی دفاعی ساحلی
.....	۳	ناوچه مین‌روب

منبع: (Global fairepower, 2016).

نیروی زمینی عربستان سعودی با برخورداری از حدود ۷۵,۰۰۰ نیروی فعال، بزرگترین نیروی زمینی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌گردد و مسئولیت اجرای عملیات‌های نظامی زمینی را در این کشور برعهده دارد. ستاد فرماندهی نیروی زمینی ارتش عربستان سعودی در شهر ریاض، پایتخت این کشور قرار دارد.

نیروی زمینی عربستان سعودی، دارای چهار تیپ زرهی، پنج تیپ پیاده مکانیزه، یک تیپ هوابرد، یک تیپ گارد پادشاهی، دو گردان مستقل تفنگ‌دار دریایی و نیز فرماندهی هوانیروز می‌باشد. بنابراین نیروی زمینی عربستان در مجموع دارای ده تیپ رزمی و یک تیپ گارد پادشاهی می‌باشد. در حال حاضر، سرلشکر خالد بن بندر، فرماندهی نیروی زمینی عربستان سعودی را برعهده دارد (مشتاقی، پیشین: ۲۹). نیروی زمینی عربستان سعودی به انواع تجهیزات زرهی و توپخانه‌ای و نفربر تجهیز گردیده و جزء کشورهای برتر منطقه در این زمینه محسوب می‌گردد. آخرین تجهیزات نیروی زمینی عربستان سعودی در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳) تجهیزات نیروی زمینی عربستان سعودی

تجهیزات	تعداد	توضیحات
تانک	۱,۲۱۰
وسایل نقلیه زرهی (AFVs)	۵,۴۷۲
توپ خودکشی (SPGs)	۵۲۴
توپخانه کشی حمل‌شونده	۴۳۲
سیستم پرتاب موشک (MLRSs)	۳۲۲

۱۰۶

منبع: (Global firepower, 2016)

۳- دلایل اتخاذ سیاست‌های امنیتی عربستان سعودی در منطقه

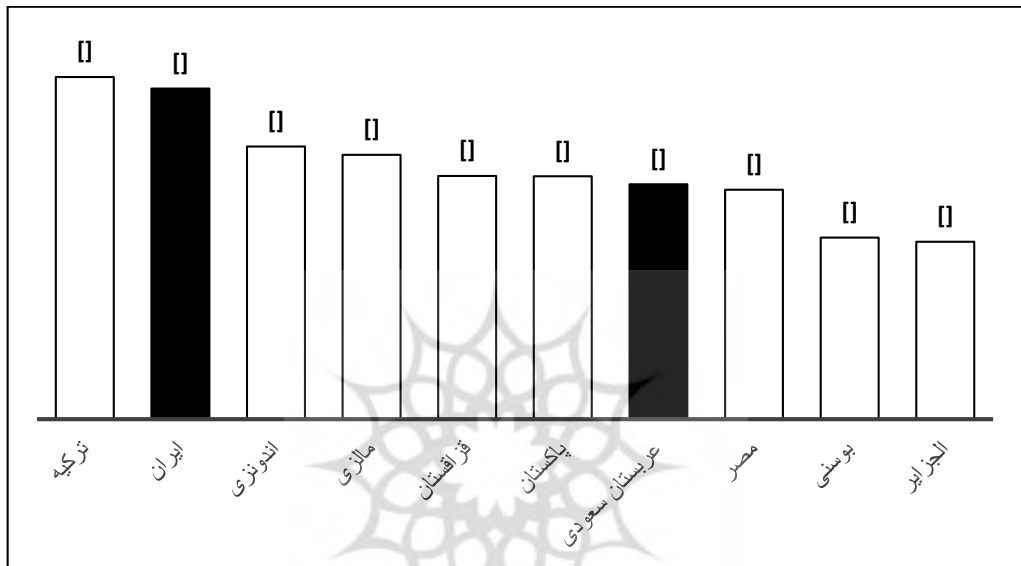
در اتخاذ سیاست‌های امنیتی عربستان سعودی، عوامل متعددی دخیل هستند. اما مهمترین آنها عبارتند از: قدرت پایین‌تر عربستان سعودی نسبت به ایران و سمت‌گیری سیاست خارجی این کشور مبنی بر حفظ وضع موجود در منطقه.

۳-۱- قدرت پایین‌تر نسبت به ایران

قدرت مفهومی نسبی است و قدرتمند بودن به اقتضای دو فضای زمانی و مکانی سنجیده می‌شود. با توجه به اینکه قدرت در قلب سیاست بین‌الملل قرار دارد، برای اندازه‌گیری قدرت ملی، راهکارهایی عرضه شده است (اشلی تلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۷). با توجه به تنوع و تعدد عوامل و متغیرهای سنجش قدرت ملی کشورها و یکسان نبودن روش‌های سنجش آنها، ما در این پژوهش با استناد به یکی از سنجش‌های صورت گرفته شده (زرقانی، ۱۳۹۲: ۲۰)، به مقایسه قدرت ملی دو کشور ایران و عربستان سعودی خواهیم پرداخت. سنجش قدرت ملی در این مدل برپایه نه فاکتور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فرامرزی، سرزمینی، نظامی،

فضایی و علمی صورت گرفته است و هر فاکتور از چند متغیر و شاخص تشکیل شده است که از مجموع این فاکتورها، قدرت ملی دو کشور ایران و عربستان سعودی مشخص می‌شود. در نمودار ۱ سنجش قدرت ملی عربستان سعودی و ایران آمده است.

نمودار ۱) رتبه‌بندی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در جهان اسلام براساس میزان قدرت ملی (مجموع فاکتورهای نه‌گانه)



منبع: (زرقانی، ۱۳۹۲: ۲۰)

در فاکتور علمی و فناوری، عربستان سعودی رتبه پنجم و ایران رتبه چهارم جهان اسلام، در فاکتور فرهنگی، عربستان سعودی رتبه بیست و ایران رتبه دوم جهان اسلام، در فاکتور اجتماعی عربستان سعودی در رتبه ۲۱ و ایران در رتبه چهارم، در فاکتور سرزمینی عربستان سعودی در رتبه چهارم و ایران در رتبه دوم جهان اسلام، در فاکتور اقتصادی عربستان سعودی در رتبه پنجم و ایران در رتبه چهارم، در فاکتور سیاسی-حکومتی عربستان سعودی در رتبه چهارم جهان اسلام و در مقابل ایران در رتبه سوم جهان اسلام، در فاکتور فرامرزی عربستان سعودی در رتبه پنجم جهان اسلام و ایران در رتبه ۳۷، در فاکتور فضایی عربستان سعودی در رتبه سوم جهان اسلام و ایران در رتبه ششم و در نهایت در فاکتور نظامی عربستان سعودی در رتبه ششم و ایران در رتبه سوم قرار دارد. در مجموع فاکتورهای نه‌گانه، ایران در رتبه دوم و عربستان سعودی در رتبه هفتم قرار دارد.

بر این اساس، قدرت ملی عربستان سعودی با اختلاف قابل توجهی از ایران پایین تر است. در این راستا، باتوجه به رقابتی که دو کشور ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه و خلیج فارس با هم دارند، میزان قدرت ملی عامل مهمی در رویکردهای امنیتی دو کشور در منطقه محسوب می‌شود. لذا قدرت پایین تر عربستان سعودی نسبت به ایران، منجر به اتخاذ سیاست‌های امنیتی این کشور که شامل همکاری و ائتلاف با غرب، همکاری‌های منطقه‌ای در قالب شورای همکاری خلیج فارس و ائتلاف با بازیگران عربی و غیرعربی و افزایش قدرت نظامی می‌باشد شده است.

۳-۲- سمت‌گیری سیاست خارجی مبنی بر حفظ وضع موجود

مبنای سیاست خارجی عربستان سعودی، برپایه حفظ وضع موجود و متعادل کردن پدیده‌های تندرو انقلابی و جلوگیری از سرایت آنها به داخل کشور بوده است. در این چارچوب، عربستان سعودی، همواره نوعی سیاست محافظه‌کاری، احتیاط و پرهیز از تقابل در سیاست‌های منطقه‌ای را دنبال کرده است (آشتی، پیشین: ۸۰-۷۶). عربستان سعودی بعنوان کشوری که حفظ وضع موجود را در سیاست خارجی خود مبنا قرار می‌دهد، تلاش می‌کند تا سیاست‌های چندی را در منطقه دنبال کند. این سیاست‌ها عبارتند از: الف) حفظ توزیع قدرت موجود در منطقه (بحرین و یمن)، ب) فعالیت در سازمان‌های بین‌المللی (سازمان همکاری اسلامی).
حفظ توزیع قدرت موجود در منطقه (بحرین و یمن): تعارض میان دولت‌ها ناشی از به خطر افتادن منافع ملی آنهاست که این امر می‌تواند ناشی از تعارض به واسطه پر کردن یک خلا قدرت در یک منطقه یا کشور خاص باشد یا آنکه تعارض براساس تقابل میان یک کشور طالب حفظ وضع موجود و کشور خواهان تغییر وضع موجود به وجود آید و یا بعنوان مهمترین دلیل، این تعارض می‌تواند به واسطه اعمال برتری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گیرد (ازغندی، ۱۳۹۱: ۲۲۷). در حالیکه عربستان سعودی درصدد تثبیت موقعیت خود بعنوان همزوم منطقه‌ای است همواره این رهبری از سوی ایران به چالش کشیده شده است (کوهکن، ۱۳۹۳: ۱۱۵). به عبارت دیگر، عربستان سعودی سعی کرده است تا سیاست‌های خود را در سطح منطقه‌ای، در راستای موازنه‌سازی در برابر ایران و گسترش نفوذ خود به صورت متقابل سازماندهی نماید (رمضان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۸). این کشور در طول سال‌های اخیر، برای حفظ قدرت خویش در منطقه، اقداماتی را انجام داده است. نمونه چنین اقداماتی را می‌توان در حملات نظامی این کشور به بحرین و یمن مشاهده کرد.

بحرین در محور نخست جهان‌بینی سیاسی عربستان سعودی قرار دارد و از جمله فوری‌ترین مسایل سیاست خارجی عربستان، حفظ امنیت و ثبات این کشور است. بحرین افزون بر قرار داشتن در محور نخست چیدمان سیاست خارجی امنیت محور عربستان سعودی، از جمله کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است که از

نظر امنیتی کاملاً به غرب وابسته است. برای ریاض، امنیت و ثبات در بحرین از جنبه‌های متعددی حایز اهمیت است (Ottaway, 2011). عربستان سعودی نگران سقوط حکومت بحرین و به قدرت رسیدن حکومتی به رهبری شیعیان است. این امر می‌تواند منجر به افزایش نفوذ ایران در منطقه شود. با آغاز اعتراض‌های شدید شیعیان در بحرین، با چراغ سبز مستقیم عربستان سعودی، حکومت بحرین به صورت گسترده به سرکوب جنبش‌های اعتراضی پرداخت و هنگامی که ضعف حکومتی در مواجهه و مقابله با این موج اعتراضی نمود پیدا کرد، نیروی نظامی عربستان سعودی برای مقابله با قیام بحرین وارد این کشور شدند و با مشت آهنین توانستند جنبش‌های اعتراضی را سرکوب کنند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

چنین نگرشی از طرف عربستان سعودی در یمن نیز وجود دارد. پس از شدت گرفتن بحران یمن در دوره علی عبدالله صالح، اقدام مهمی که عربستان سعودی با همراهی دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس انجام داد، ارائه طرحی بود که علیرغم برکناری صالح از قدرت، ضمن اعطای مصونیت به وی، مجوز نظارت کشورهای عضو شورای همکاری با رهبری عربستان سعودی در امور داخلی یمن را فراهم می‌ساخت. گام دوم در ماه‌های آغازین سال ۲۰۱۵ برداشته شد. عربستان با حمایت کشورهای عربی منطقه‌ای، به بهانه دستیابی حوثی‌های یمن به موشک‌های بالستیک، حملات نظامی خود را به یمن آغاز کردند. اما پرواضح است که نگرانی عربستان سعودی بیشتر ناشی از قدرت گرفتن گروه‌های شیعی نظیر انصاراله و حوثی‌ها در یمن بود ۱۰۹ که همسو با منافع ایران هستند (صادقی‌اول و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

فعالیت در سازمان‌های بین‌المللی (سازمان همکاری اسلامی): یکی دیگر از اقدامات عربستان سعودی که از طریق آن تلاش دارد وضع موجود در منطقه را حفظ نماید، فعالیت از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری اسلامی است. این کشور توانسته است از طریق فعالیت‌هایی چون توسعه حرمین شریفین، کمک‌های اقتصادی و مالی گسترده به کشورهای اسلامی و کمک به اقلیت‌های مسلمان، اعتباری در بین مسلمانان جهان کسب کند (صادقی و احمدیان، پیشین: ۱۵۶). عربستان سعودی با ارتقای جایگاه و اعتبار خود در میان کشورهای جهان اسلام، عملاً جهان عرب را در حمایت از سیاست‌های محافظه‌کارانه در کنار خود در منطقه داشته است. در سازمان همکاری اسلامی که مهمترین مجمع کشورهای اسلامی است، نقش عربستان سعودی بسیار مهم و تعیین کننده است. این کشور با داشتن حمایت کشورهای عربی، عملاً به یکی از عناصر اصلی این سازمان درآمده است (رمضان‌زاده و دیگران، پیشین: ۱۷۱).

بعنوان مثال، در سیزدهمین کنفرانس سران سازمان همکاری اسلامی که در تاریخ ۱۰-۱۵ آوریل سال ۲۰۱۶ در استانبول برگزار شده بود، این سازمان حمایت خود را از عربستان در مبارزه با تروریسم و به ویژه حمایت از ائتلاف نظامی کشورهای مسلمان علیه تروریسم ابراز داشت. گفتنی است ائتلاف نظامی یاد شده از ابتکاراتی

است که عربستان برای گردآوردن کشورهای همسو با خود در زیر یک چتر واحد، بکار بسته است. با افزودن این بند، سازمان همکاری اسلامی عملاً حمایت خود را از ابتکار عربستان سعودی نشان داد. این درحالی است که ریاض با برخورداری از اینگونه حمایت‌ها، اقدامات خود را علیه مخالفین داخلی خود شدت بخشید. در این اجلاس، سازمان همکاری اسلامی با نام بردن از ایران تذکرات نسبتاً تندی به تهران درباره مداخله در امور داخلی کشورهایی مانند یمن و بحرین، حمایت از تروریسم، یورش به اماکن دیپلماتیک عربستان در تهران و مشهد داد (علیزاده، ۱۳۹۵). در راستای تشدید این برخوردها، برخی از کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی در قالب شورای روابط بین‌الملل خلیج فارس موسوم به «کوگر» به دنبال اعمال سناریوی هستند تا عضویت ایران را در سازمان همکاری اسلامی تعلیق یا آن را اخراج کنند (همان).

نتیجه‌گیری

عربستان سعودی به دلیل وسعت سرزمینی، منابع عظیم نفتی و موقعیت ژئوپلیتیکی که در منطقه دارد همواره تلاش داشته است تا نقش برتر را در منطقه خلیج فارس ایفا کند. باتوجه به تحولاتی که در طول سه دهه اخیر به ویژه با وقوع خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱ در منطقه اتفاق افتاده است، این کشور برای اینکه بتواند خود را بعنوان قدرت مسلط در خلیج فارس تبدیل کند، راهبردهای امنیتی متفاوتی را در منطقه دنبال می‌کند. محورهای اصلی راهبردهای امنیتی عربستان سعودی در خلیج فارس عبارتند از: همکاری و ائتلاف با غرب به ویژه آمریکا، همکاری‌های منطقه‌ای در قالب شورای همکاری خلیج فارس، و ائتلاف با بازیگران عربی و غیرعربی و افزایش قدرت نظامی.

از جمله دلایلی که باعث اتخاذ راهبردهای امنیتی از سوی عربستان سعودی در منطقه شده است، قدرت پایین‌تر این کشور نسبت به ایران و سمت‌گیری سیاست خارجی این کشور مبنی بر حفظ وضع موجود در منطقه می‌باشد. سنجش قدرت ملی دو کشور عربستان سعودی و ایران از طریق جمع‌جبری امتیازات مثبت و منفی درباره ۸۷ متغیر و در قالب نه فاکتور اقتصادی، سیاسی، سرزمینی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، نظامی، فرامرزی و فضایی نشان می‌دهد عربستان سعودی بطور تقریبی، در تمامی مولفه‌های قدرت ملی، نسبت به ایران از قدرت پایین‌تری برخوردار است. لذا قدرت پایین‌تر عربستان سعودی نسبت به ایران، منجر به اتخاذ سیاست‌های امنیتی این کشور که شامل همکاری و ائتلاف با غرب، همکاری‌های منطقه‌ای در قالب شورای همکاری خلیج فارس و ائتلاف با بازیگران عربی و غیرعربی و افزایش قدرت نظامی می‌باشد شده است. عامل دیگر، سمت‌گیری سیاست خارجی این کشور مبنی بر حفظ وضع موجود در منطقه است. عربستان سعودی تلاش می‌کند تا از طریق حفظ توزیع قدرت موجود در منطقه (بحرین و یمن) و فعالیت در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری اسلامی، سیاست‌های محافظه‌کارانه خویش را در منطقه دنبال کند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آشتی، نصرت‌اله (۱۳۷۱)، *ساختار حکومت عربستان سعودی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲- آقایی، سید داود و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ چالش‌ها و امکانات پیش‌رو»، *فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۰، ش ۳.
- ۳- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۰-۱۳۸۴)»، *فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۳، ش ۲.
- ۴- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، «تحولات جهان عرب و دگرگونی در ائتلاف‌های منطقه‌ای»، *وبگاه موسسه مطالعاتی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران*.
- ۵- اسدی، بیژن (۱۳۷۳)، «آمریکا، نظم نوین جهانی و امنیت خلیج فارس»، *مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۶- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، «مهمترین اختلافات آمریکا و عربستان»، *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC)*.
- ۷- اشلی تلیس و همکاران (۱۳۸۳)، *سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۸- اطاعت، جواد (۱۳۹۴)، «تحلیل ژئوپلیتیک روابط پاکستان و همسایگان‌اش: تنش‌ها و تهدیدها»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۲۴.
- ۹- تریف، تری (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیتی امنیتی نوین*، مترجم: علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران.
- ۱۰- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، *مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۱۱- رضایی، محسن (۱۳۸۴)، *ایران منطقه‌ای*، چ ۲، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۲- رمضان‌زاده، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۹۲)، «تحول جایگاه منطقه‌ای و روابط تنش‌زای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)*، س ۱۲، ش ۷۱.
- ۱۳- زرقانی، سید هادی (۱۳۹۲)، «سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام»، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، س ۱، ش ۲.
- ۱۴- صادقی اول، هادی و دیگران (۱۳۹۴)، «تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی (۱۳۸۴-۱۳۹۴)»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۲۵.

۱۵- صادقی اول، هادی و نقدی عشرت‌آباد، جعفر (۱۳۹۳)، «روابط ایران و دژ منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، ش ۴.

۱۶- صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، «عربستان سعودی؛ از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه‌ای»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، س ۲، ش ۳.

۱۷- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

۱۸- علیزاده، حسین (۱۳۹۵)، «عربستان به دنبال اخراج جمهوری اسلامی از سازمان همکاری اسلامی»، سایت رادیو فردا، دسترسی در لینک:

http://www.radiofarda.com/a/f35_iran_saudi_islamic_cooprations/28138472.html

۱۹- عظیمی، رقیه‌السادات (۱۳۷۴)، «عربستان سعودی، تهران: وزارت امور خارجه.

۲۰- غلام‌حسینی، اسماعیل (۱۳۹۲)، «مکتب رئالیسم و راهبرد نظامی»، مجله سیاست دفاعی، س ۲۱، ش ۸۳.

۲۱- قاسمی نراقی، علی‌اصغر (۱۳۷۸)، شورای همکاری خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۲۲- کرمی (الف)، کامران (۱۳۹۱)، «بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۱»، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، ش ۶.

۲۳- کرمی (ب)، کامران (۱۳۹۲)، «امکان‌سنجی پیوندهای عربستان و ترکیه در شکل‌دهی به ائتلاف جدید منطقه‌ای»، مرکز مطالعات صلح بین‌المللی (IPSC).

۲۴- کوهکن، علیرضا (۱۳۹۳)، «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۳، ش ۱۰.

۲۵- ماز، زیو (۱۳۷۹)، امنیت منطقه‌ای، مترجم: داود علمایی، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی دوره عالی جنگ.

۲۶- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۳)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپالیسیک خلیج فارس، مترجم: حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۷- محب‌علی، قاسم (۱۳۹۴)، «علل و پیامدهای گسترش روابط عربستان و ترکیه»، مرکز مطالعات صلح بین‌المللی (IPSC).

۲۸- مشتاقی، امیر (۱۳۹۳)، «اقدامات نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس-۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳- و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی.

۲۹- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه تهران (سمت).

۳۰- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۹)، *سیاست میان ملت‌ها، تلاش در راه قدرت و صلح*، مترجم: حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

۳۱- نوشاد، سورنا (۱۳۹۰)، «مقایسه نیروی دریایی ایران و عربستان سعودی»، *وبسایت میلیتاری*، دسترسی در لینک: <http://www.military.ir/forums/topic/20048>

۳۲- هالستی، کالویجاکوی (۱۳۷۳)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، مترجم: بهرام مستقیم‌ی و مسعود طارم سری، تهران: وزارت امور خارجه.

لاتین:

33- Cordesman, H. Anthony (2012). Moving Towards unity, Expanding the role of the GCC in gulf security. CSIS. Available at: <http://csis.org>

34- Henderson, Simon (2001). The Gulf Council Defense pact: An Exercise in Ambiguity. *The Washington institute for Middle East policy*.

35- Lamoth, Dan (2015) How U.S. weapons will play a huge role in Yemen, 26 March 2015, available at: <https://www.washingtonpost.com>

36- Muhittin, Ataman (2012). Turkish Saudi Arabian Relations, during the Arab uprisings: Towards a Strategic Partnership? *Academic journal article from insight*

^{۱۱۳} *turkey*. Vol. 14. No. 4.

37- No name- (2016). Saudi Arabia Military Strength, Current military Capabilities and Available firepower for 2016 Detailed, Global Firepower, available at: <http://www.globalfirepower.com>

38- Ottaway, Marina (2011). Bahrain: Between the United States and Saudi Arabia, Carnegie Endowment for International Peace. <http://www.carnegieendowment.org>



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی